

● احمد یاورى رامشه

یادی از زنده یاد استاد علامه سید محمد حسین طباطبایی

## زندگی علمی علامه



زنده یاد علامه سید محمد حسین طباطبایی، مولف والاقدر تفسیر المیزان، پس از اتمام اولین مراحل علمی در تبریز، در سال ۱۳۰۴ ش راهی نجف شد. ۱۰ سال در حوزه علمیه نجف به تکمیل معلومات خود در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی پرداخت. فقه و اصول را نزد نایینی و کمپانی، فلسفه را نزد سید حسین بادکوبه‌ای که خود از شاگردان جلوه و آقاعلی مدرس بود، ریاضیات را نزد آقا سید ابوالقاسم خوانساری، و اخلاق و عرفان را از سید علی قاضی طباطبایی آموخت. در کتب تراجم استادان علامه طباطبایی به شرح زیر نام برده شده است: سید علی قاضی طباطبایی، سید ابوالحسن اصفهانی، سید حسین بادکوبه‌ای، سید ابوالقاسم خوانساری ریاضی، محمد حسین غروی اصفهانی، میرزا حسین نائینی و آیت الله حجت کوه کمری.

استاد علامه پس از مدت زمانی که در نجف مشغول تحصیل بود به علت تنگی معیشت و نرسیدن مقرری که از ملک زراعی‌اش در تبریز به دست می‌آمد، مجبور به بازگشت به ایران شد و ۱۰ سال در روستای شادآباد تبریز به زراعت و کشاورزی مشغول شد. در این دوره فعالیت علمی از قبیل تحصیل یا تدریس از او گزارش نشده است ولی تعدادی از کتاب‌ها و رساله‌های علامه حاصل تفکرات این دوره است.

### دوران قم

شهرت علامه طباطبایی در تهران و حوزه‌های دیگر علمی ایران، هنگامی آغاز شد که در اثر حوادث سیاسی جنگ دوم جهانی و عواقب بعد از آن از تبریز به قم مهاجرت کرد. او از سال ۱۳۲۵ ش در قم ساکن شد و مجالس درس خود را در تفسیر و حکمت آغاز کرد.

او به تدریج، تدریس سطوح اساسی حکمت مانند کتاب شفاء و اسفار را متداول ساخت. در کنار این درس، علامه به تربیت شاگردانی در حوزه اخلاق و عرفان اسلامی نیز توجه داشت. حسن حسن‌زاده آملی، عبدالله جوادی آملی، عزیزالله خوشوقت و علی سعادت‌پرور و... از این دسته شاگردان او هستند.

### جلسات علمی تهران

در دوران اقامت و سکونت در قم یکی از فعالیت‌های علامه طباطبایی شرکت در جلسات علمی و فلسفی در تهران بود. این جلسات با حضور هانری کربن، سید حسین نصر، داریوش شایگان و... با محوریت علامه طباطبایی درباره مسائل فلسفی، عرفانی، ادیان و اسلام‌شناسی برگزار می‌شد.

او در سفرهای یبایی به تهران داشت، با علاقه‌مندان به حکمت و معارف اسلامی تماس داشت و گاه با مخالفان دین و حکمت نیز به بحث می‌پرداخت. در برخی از این نشست‌ها موضوع بحث، تفسیر عرفان شرقی با محوریت اوپائیشادها و گات‌ها بوده است. مطالب این کتاب‌ها توسط داریوش شایگان به فارسی ترجمه می‌شد و سپس علامه طباطبایی درباره آن مطالب توضیح می‌داد. جلسات او و پروفیسور کربن به مدت ۲۰ سال

پروفیسور کارل فریدریش فون وایتساکر/۵

## علم به کجا می‌رود

● ترجمه: شهرام تقی‌زاده انصاری



ما انسان‌های عصر حاضر روی لبه نازکی مابین دو خط بزرگ متضاد راه می‌رویم. ما می‌توانیم خیلی سطحی و محافظه‌کار باشیم و همیشه تمثیلات رسیده را برای خود چیزها در نظر بگیریم. یا می‌توانیم به طور سطحی انقلابی باشیم و

(۱۳۷۸ تا ۱۳۹۹ق) هر پاییز با حضور جمعی از اهالی فلسفه تشکیل می‌شد که در آن مباحث اساسی دین و فلسفه و... مطرح می‌شد. به گفته دکتر سید حسین نصر چنین جلساتی در سطحی آن چنان بالا و با افقی آن چنان وسیع در جهان اسلام امروز بی‌نظیر بوده است و حتی می‌توان گفت که از دوره قرن وسطی که تماس فکری و معنوی اصیل بین اسلام و مسیحیت قطع شد، چنین تماسی بین شرق اسلامی و غرب حاصل نشده است.

### آثار

از علامه فقید آثار علمی بسیار به جا مانده که قسمتی از آن‌ها بدین قرار است: تفسیر المیزان که به گفته شهید مطهری صدها سال بعد شناخته خواهد شد. اصول فلسفه و روش رئالیسم، حاشیه بر اسفار

صدرالدین شیرازی، سنن النبی (ص)، مصاحبات با استاد کربن، شیعه در اسلام، حاشیه بر کفایه الاصول، رساله در قوه و فعل، رساله در اثبات ذات، رساله در صفات، رساله در افعال، رساله در وسائط، الانسان قبل الدنیا، الانسان فی الدنیا، الانسان بعد الدنیا، رساله در نبوت، رساله در ولایت، رساله در مشتقات، رساله در برهان، رساله در مغالطه، رساله در تحلیل، رساله در ترکیب، رساله در اعتبارات، رساله در نبوت و مقامات، منظومه در رسم خط نستعلیق، علی والفلسفه الالهیه (به فارسی ترجمه شده است)، قرآن در اسلام، رساله در حکومت اسلامی، که به فارسی و عربی و آلمانی چاپ شده است.

همچنین گفتنی است مقالات متعددی که در نشریات گوناگون مانند مکتب تشیع و درس‌هایی از

مکتب اسلام و راهنمای کتاب و... به انتشار رسیده است. بجاست که در اینجا درباره تفسیر علامه طباطبایی مطالبی را بیان کنیم.

### تفسیر المیزان

علامه طباطبایی از حدود سال ۱۳۳۳ ش/۱۳۷۴ق نوشتن تفسیر المیزان را آغاز کرد و تا سال ۱۳۵۰ ش/۱۳۹۲ق آن را در ۲۰ جلد به زبان عربی به اتمام رساند. در این تفسیر از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده شده است و علاوه بر تفسیر آیات و بحث‌های لغوی در بخش‌هایی جداگانه یا توجه به موضوع آیات مباحث روایی، تاریخی، کلامی، فلسفی، علمی و اجتماعی نیز دارد. ترجمه این اثر به دو شکل منتشر شده است. نخست در ۴۰ جلد و سپس در ۲۰ جلد.

این اثر توسط سید محمدباقر موسوی همدانی به فارسی ترجمه شده است. علامه طباطبایی قبل از نوشتن تفسیر المیزان، در تبریز اقدام به نوشتن تفسیری با محوریت احادیث کردند. نام این تفسیر نیمه تمام تفسیر البیان فی الموافقه بین الحدیث و القرآن است و چنان‌که از یادداشت‌های مؤلف به دست می‌آید، ایشان در فاصله سال‌های ۱۳۶۴ ق تا ۱۳۶۹ ق مشغول نوشتن این تفسیر بوده است. و احتمالاً به علت ورود ارتش روسیه به تبریز و بحران‌های بعد از آن این کتاب ناتمام مانده است. این تفسیر چند سال بعد از درگذشت علامه منتشر شده و از اول قرآن تا پایان سوره یونس را دربرمی‌گیرد.

### تعلیق بر بحار الانوار

علامه طباطبایی معتقد بود که بحار الانوار بهترین دائرةالمعارف شیعه در زمینه احادیث و دارای یک فصل‌بندی مطلوب و توضیحات مناسب در ذیل احادیث است. ولی از آنجا که علامه مجلسی در مسائل فلسفی مسلط نبوده، گاه در توضیحاتی که درباره احادیث نوشته چهار اشتباه شده است. به همین دلیل بنا شد علامه طباطبایی در چاپ جدید بحار الانوار نکاتی را در حاشیه بیافزاید.

این کار تا اوایل جلد هفتم بحار انجام شد و کتاب با توضیحات او منتشر شد. ولی به دلیل این که نقدهای علامه بر نظریات علامه مجلسی خوشایند عده‌ای نبود و از طرفی علامه طباطبایی حاضر نشد از مواضع خود صرف‌نظر کند، این حاشیه‌نویسی ناتمام ماند. موسسه الوفاء بیروت این تعلیقات را به همراه بحار الانوار چاپ کرده است.

### شاگردان

از شاگردان نام آور علامه می‌توان به اعلام زیر اشاره کرد:

استاد شهید مرتضی مطهری، سید عزالدین حسینی زنجانی، آیت الله عبدالله جوادی آملی، مرحوم شیخ یحیی انصاری شیرازی، آیت الله حسینعلی منتظری، آیت الله سید موسی شبیری زنجانی، آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، آیت الله جعفر سبحانی، استاد دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، آیت الله حسن حسن‌زاده آملی، آیت الله سید محمد حسین حسینی تهرانی، آیت الله ابراهیم امینی، آیت الله سید جلال الدین آشتیانی، مرحوم دکتر احمد احمدی، سید موسی صدر، محمد صادقی تهرانی، شهید سید محمد حسینی بهشتی و...

صحبت درباره تعلیم و تربیت درباره تحقیق صحبت کنیم. ما باید برای تحقیق و خدمت به علم محض رابطه نزدیکی با دانشگاه‌هایی داشته باشیم که در آن‌ها آموزش و تحقیق صورت می‌گیرد.

هرچه علم ما را به مسئولیت‌های محض انسانی نزدیکتر کند، به همان اندازه باید برای ما واضح‌تر شود که آموزش فقط یک واسطه برای کسب علم و دانش نیست، بلکه تعلیم و تربیت انسان‌ها نیز باید هدف آن باشد. این تعلیم و تربیت با کمک برنامه‌های آموزشی به دست نمی‌آید بلکه با مسائل

با تمثیلات خود آن چیز را به دور بریزیم. در قرن‌های گذشته، خطر مخصوص آیین بود که به طور ناکافی محافظه‌کار بود و خطر مخصوص علم بود که به طور ناکافی انقلابی بود. قاطعیت مذهب و امانت علم باید به این امر منتهی شوند که از این دو راهی ناصحیح بیرون آیند.

درباره مسائل عمومی دیگر میل ندارم صحبت کنم. با وجود این من میل دارم به این نقطه نظر عملی نتیجه نهایی را بگیرم. اگر نسبت صحیح انسان‌ها به خود و به یکدیگر مهم است، اجازه نداریم بدون



انسانی به دست می‌آید که در افراد مورد تعلیم و تربیت وجود دارد.

من فکرمی‌کنم که

توجه به این طرف علم، جزء مهم‌ترین احتیاجات امروزه بشر می‌باشد. اگر ما سعی کنیم نه تنها در مورد مشکلاتمان به طور مجرد بیندیشیم، بلکه عملاً هم برای حل آن بکوشیم، آن وقت این نکته می‌تواند آغاز خوبی برای تعلیم و تربیت باشد.

پایان